

جستاری در برخی از آثار منتشر شده توسط بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی به مناسبت «روز قلم»

از «مقام رضا» تا «آیین کشورداری در تمدن اسلامی»

۳

در نشست نقد و بررسی رمان

«مرا با خودت ببر» مطرح شد

ظرفیت‌های تاریخی برای تولید رمان فاخر دینی

نشست نقد و بررسی رمان «مرا با خودت ببر» با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین مظفر سالاری نویسنده اثر، دکتر سعید طاووسی مسرور پژوهشگر تاریخ و استاد دانشگاه، بهمن براتی کارشناس‌ارشد تاریخ به عنوان دبیر نشست و جمعی از علاقه‌مندان در فروشگاه مرکزی کتاب و محصولات فرهنگی به‌نشر شامگاه ۱۲ تیرماه در مشهد برگزار شد.

دکتر سعید طاووسی مسرور، پژوهشگر تاریخ و استاد دانشگاه در این نشست گفت: کتاب «مرا با

خودت ببر» روایت نابی است از اثر مرحوم شیخ کلینی به نام کافی که به صورت داستان گسترش یافته است ...

محسن پناهیان - عکاس رضوی



درباره شیخ علی‌اکبر کرمانی، منبری مشهور معاصر و مدفون در حرم مطهر رضوی

واعظی که «منبر» لازم نداشت

ناشی از ابتکار تبلیغی وی بود. ضمن اینکه از شعر، متن‌های ادبی و ضرب‌المثل‌ها نیز به فراوانی استفاده می‌کرد که این مسئله برای مردم ادب‌دوست مشهد بسیار خوشایند و دلپذیر بود.

■ تحت تعقیب رژیم پهلوی

شیخ علی‌اکبر کرمانی، واعظی که به دلیل خطبه‌هایش سخت مورد توجه مردم بود، در سال ۱۳۱۴ خورشیدی تحت تعقیب رژیم پهلوی قرار گرفت. او در این سال و پس از قیام مسجد گوهرشاد، ضمن یک سخنرانی مذهبی در روستای «گل خطمی» مشهد، به حمایت از دیدگاه‌های آیت‌الله العظمی سیدحسین قمی در مبارزه با رویکردهای ضددینی رضاشاه پرداخت. به دنبال این سخنرانی بود که به ناچار مخفی شد و مدتی را در منزل یکی از دوستانش روزگار گذراند و سپس مخفیانه به عتبات رفت. شیخ علی‌اکبر

از انقلاب مشروطه جوانی ۲۲ساله بود و همراه یکی از کاروان‌های زیارتی عتبات که از مبدأ قهوه‌خانه عمویش در پایین‌خیابان حرکت می‌کرد، عازم عتبات شد و مدتی را در مجلس درس علمای بزرگ نجف به علم‌آموزی گذراند و سپس به مشهد بازگشت. در این دوره بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفت و نطق‌هایش در تکیه کرمانی‌ها به سرعت شهرتی فراگیر پیدا کرد؛ به طوری که مردم شهرهای اطراف مانند شیروان، قوچان و حتی بجنورد هم از وی برای ایراد سخنرانی مذهبی دعوت می‌کردند. او در مشهد افزون بر تکیه کرمانی‌ها، در مسجد گوهرشاد و صحن نو هم سخنرانی می‌کرد.

■ راز جذابیت منبرهای «شیخ بریا»

اینکه چرا منبرهای شیخ علی‌اکبر کرمانی چنین مشهور شد و مورد توجه مردم قرار گرفت، صرف نظر

محمدحسین نیکبخت |

هر نسلی واعظ مشهور خودش را دارد. مثلاً نسل ما با مجالس وعظ امثال مرحوم آیت‌الله سیدعبدالله فاطمی‌نیا مأنوس بود، نسل پیشتر ما با منبرهای مرحوم شیخ‌احمد کافی یا مرحوم حجت‌الاسلام محمدتقی فلسفی. برای مشهدی‌هایی که در دهه‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ خورشیدی زندگی می‌کردند هم شیخ علی‌اکبر کرمانی مشهور به «شیخ بریا»، با منبرهای پرشور و شیرینش، محبوبیت خاصی داشت. مرحوم شیخ علی‌اکبر را باید یکی از آن واعظ‌های خلاق و نوآور دانست که با بیان رسا و دانسته‌های وسیعش می‌توانست مخاطب را پای منبر نگه دارد و موعظه و اطلاعات شرعی را در کنار روایت‌ها و حکایت‌های پندآموز به او عرضه کند.



■ از سیرجان تا مشهد

شیخ علی‌اکبر اصالتاً از اهالی سیرجان در استان کرمان بود. او در سال ۱۲۶۱ خورشیدی متولد شد و پس از فوت زود هنگام پدر و مادرش به مشهد آمد و تحت سرپرستی عمویش، آخوند ملاعباس که مردی ادیب و شاعر بود و با دیوان اشعار شعرا و ادبا آشنایی داشت، قرار گرفت. برخی از قدیمی‌های محله پایین‌خیابان برای نگارنده نقل کرده‌اند که ملاعباس، صاحب قهوه‌خانه‌ای در این محله بود که آن را نقطه شروع حرکت کاروان‌های زیارتی کربلا می‌دانستند. در این قهوه‌خانه، محفل شعرخوانی هم برگزار می‌شد و چون در مشهد قدیم، شعر و به ویژه شعر آیینی جایگاهی ویژه داشت، شاعرانی که چیزی در چنته داشتند، آن را در چنین محافلی عرضه می‌کردند و به‌بوته نقد می‌سپردند. شیخ علی‌اکبر مقدمات را نزد عمویش فراگرفت و از همان زمان به دلیل نطق و بیانی که داشت، مورد توجه همه بود. احتمالاً نخستین سخنرانی‌هایش برای جمعیت را هم در مکان‌هایی مانند تکیه کرمانی‌ها در پایین‌خیابان ایراد کرد که ظاهراً قدمت آن به اوایل دوره قاجار بازمی‌گردد. شیخ علی‌اکبر هم‌زمان با کار نزد عمویش، در مدارس علمیه شهر مشهد هم به علم‌آموزی پرداخت و علاقه وافری به مطالعه آثار ادبی و موعظه‌ها داشت.

■ واعظ نامی مشهد

شیخ علی‌اکبر در سال ۱۲۸۳ یعنی دو سال پیش

موعظه / آیت‌الله شیخ جعفر ناصری

چگونه از عبادت

حواریین اهل بیت (علیهم‌السلام)

درس بگیریم؟

۲



روایت برگزاری «حصن حصین»

گروه‌مایی بزرگ خوشنویسان خراسان در نیشابور

با کاتبان

حدیث «سلسله‌الذهب»

در شهر فیروزه‌ای ایران

۴

حجت‌الاسلام علیرضا قائمی نیا مطرح کرد

دینداری دیجیتالی انسان «متاورسی»

۲

سفر زمینی عتبات به صورت انفرادی هم برقرار شد

۲

خبر

مدیر مسئول روزنامه همشهری مطرح کرد

نوگرایی و تنوع، دو ویژگی آثار

جشنواره رسانه‌ای امام رضا (علیه‌السلام)



داور جشنواره رسانه‌ای بین‌المللی امام رضا(ع)، نوگرایی و تنوع را از ویژگی‌های آثار دومین دوره این جشنواره برشمرد و ابراز امیدواری کرد این رویکرد در دوره‌های آینده تقویت شود. عبدالله گنجی با اشاره به اتمام داوری آثار دومین دوره این جشنواره، به آستان‌نیوز گفت: متنوع بودن آثار از جنبه زوایه جدید نگاه به امام رضا(ع) و تلاش برای معنویت‌افزایی در فرهنگ و سیره رضوی از ویژگی‌های آثار دریافتی در دومین دوره بود. نکته قابل توجه دیگر اینکه، برخی آثار ارسال شده به دومین دوره جشنواره رسانه‌ای امام رضا(ع) واقعاً نوگویی داشتند، از ادبیات نو در آن‌ها استفاده شده بود و یا حاوی داستان نویی بودند که اتفاق مهمی برای جشنواره است و یکی از اهداف ما که ایجاد تحول در تولید محتوای حوزه فرهنگ رضوی است را محقق کرده و همین رویکرد باید تداوم داشته باشد. داور جشنواره رسانه‌ای بین‌المللی امام رضا(ع) همچنین با اشاره به نقش این جشنواره در ترویج فرهنگ رضوی گفت: علاوه بر شیوه سنتی انتقال سینه به سینه این فرهنگ، باید راهکار انتقال گسترده فرهنگ رضوی از طریق ارتباط فراگیر و قدرتمند با رسانه‌ها را تقویت کرد و به نظر می‌رسد لازم است رسانه‌های کشور نیز در این حوزه سیاست‌گذاری ویژه‌ای داشته باشند.

نیمکت زندگی



لیلی و مجنون‌ها

پشت چراغ قرمز

رقیه توسلی | ریگی توی کفشم اذیتم می‌کند. گوشه خیابان، لنگه چپ را درمی‌آورم و بنا می‌گذارم به تکان دادن. می‌خواهم دوباره پایم کنم که چشم توی چشم می‌شویم با هم. آسانگیر است. خاکی‌ست. از آن‌ها که اهل نمایش و فخر و آدا نیستند با اینکه جد اندر جد، ثروتمندند و دستشان می‌رسد به دهانشان.

هم دانشکده‌ای بودیم و شکر خدا در گذر زمان، ارتباطمان برقرار ماند. از فروشگاه لوازم آشپزخانه آمده بیرون. محتویات

پلاستیکی که دستش دارد را نشانم می‌دهد و با تلخندی می‌گوید: ببین! دیگه خرید کردن کار جذاب و باحالی نیست! عذاب‌آور! برای این سه تکه کالا، یک و صد دادم.

در مسیر توضیح می‌دهد عروسی خواهر ته‌تغاریشان است. می‌گوید ما طی این مدت فهمیدیم که جهیزیه قبلاً آسمش جهیزیه بود حالا هفت خان رستمه... این روزا دلم برای اونایی که چند تا دختر دم بخت دارن، برای جوونا، می‌سوزه. کارشون سخته واقعاً.

یاد آقای نظافتچی مؤسسه می‌افتم که جگرش خون بود و یک ماه قبل درد دل می‌کرد دخترش همه خواستگارا را رد می‌کند که آن‌ها نیفتند توی دست‌انداز. چون من فقیر و کم‌پنهام و ندارم خرج روزمره عیال و اولاد را بدهم چه رسد به خرج و برج عروسی. بچه‌ام درک می‌کند با حقوق چهار میلیون و خرده‌ای باباش کاری نمی‌شود کرد. دست پدرش مو ندارد. توی حال و احوال خودم غرقم که صدای خانمی می‌پیچد از پشت سر؛ «عطاجان! مادرا! زنگ زدن گفتن کارتا آماده شده. سر

رات برو بگیرشون عزیز دل... آره دیگه! همون سیصد و پنجاه تا». می‌خندم و ذره‌ای از مچاله‌گی و چرابی‌هایم کم می‌شود. خدا را شکر. انگار کمتر و بیشتر چراغ تالارها و خانه بخت، روشن است هنوز. کاش مسئولان و آن‌ها که در ید قدرتشان است آمار ازدواج را دریابند.

سنجاق

پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: بهترین ازدواج‌ها آن است که آسان‌تر انجام گیرد.

منبر مجازی

تلاش برای رسیدن به علاقه‌ها



حجت‌الاسلام پناهیان | زندگی دو عنصر کلیدی دارد: یکی «حرکت» و دیگری «تمایلات». وقتی بحث از حرکت به میان می‌آید، این پرسش مطرح می‌شود که حرکت به سوی چه چیزی؟ «تمایلات» یا علاقه‌های انسان، در واقع موتور محرکه هستند... کسی نمی‌تواند بگوید من دنبال تمایلات خودم نیستم، من دنبال چیزهایی بالاتر از تمایلات خودم هستم. این چیزهای بالاتر هم همان تمایلات هستند که نقش کلیدی در زندگی انسان دارند. انسان برای تمایلاتش زنده است... انسان فکرش را در خدمت تمایلاتش به کار می‌گیرد. یک پژوهشگر عاقل و هوشمند هم به سوی تمایلاتش حرکت می‌کند، منتها تمایل او «حقیقت‌طلبی» یا «جست‌وجویی در عرصه علم و آگاهی» است. اما زندگی ما فقط یک حرکت ساده به سوی تمایلات نیست، بلکه یک حرکت توأم با تلاش است... در واقع زندگی یعنی حرکت و تلاش برای رسیدن به تمایلات... امام صادق(ع) هم در این باره مفصل صحبت کرده‌اند که زندگی انسان طوری طراحی شده است که هر چیزی می‌خواهد باید به خاطرش تلاش کند و سختی بکشد... ایشان مثال می‌زنند که اگر میوه می‌خواهید، باید بروید درخت میوه بکارید و پرورش دهید و نگهداری درخت میوه هم کار دشواری است. اگر شما بخواهید فرزند خودتان را برای زندگی تربیت کنید، در واقع باید این تلاش را به او یاد بدهید... حالا نمی‌دانم چقدر در آموزش و پرورش ما این کار انجام می‌شود؟ این اتفاق باید از هفت‌سالگی بیفتد و ما اگر این کار را انجام ندهیم، ریشه فساد همین جاست؛ نه آن ماهواره‌ای که روی گوشی شما هم قابل دریافت است. البته زندگی و حرکت برای رسیدن به تمایلات، فقط با تلاش سامان پیدا نمی‌کند. چون گاهی با تلاش به سوی تمایلات خودت می‌روی، اما با موانع و دشمنان جدی مواجه می‌شوی؛ آن وقت باید چه کار کنی؟ طبیعتاً باید «مبارزه» کنی. زندگی خیلی از اوقات، «مبارزه» است... ای کاش در هفت سال دوم زندگی و دوران دبستان، این‌ها را برای بچه‌ها خوب جا بیندازند و به بچه‌ها بگویند: زندگی «هلو راحت بیا برو تو گلو» نیست! زندگی مبارزه است که در این مبارزه گاهی شکست می‌خوری و گاهی پیروز می‌شوی... ریشه فساد هم اتجایی است که ما بچه را با متن حقیقت و ماده خام زندگی آشنا نکنیم. اگر بچه با حقیقت زندگی آشنا نشده باشد، دیگر فایده‌ای ندارد که ما طلبه‌ها بخواهیم به این بچه، بندی یاد بدهیم. وقتی تصور او از زندگی را مختل کرده‌ایم، چگونه می‌توان به او بندی یاد داد؟ البته زندگی، تلاش و مبارزه برای رسیدن به هر علاقه‌ای نیست... بلکه به این علاقه‌ها باید یک قید اضافه کنیم و بگوییم: «علاقه‌های منتخب» یا «علاقه‌های برتر».

